

بازنمایی جادو در سبک های نوین زندگی با تاکید بر گسترش حوزه خصوصی (مطالعه موردی: زنان شهر دزفول)

منصور وثوقی^۱، نسیم خواجه زاده^۲

چکیده

سبکهای زندگی نوین در دزفول در حال نضج گرفتن است، در این سبکهای نوین اما، عناصر سنتی جانی دوباره می گیرند، یکی از این عناصر جادوست. در این تحقیق که بر اساس روش کیفی پدیدارشناسی هرمنوتیک بوده، با زنانی که از جادو و دعانویسی در زندگی خود بهره برده اند، مصاحبه شده است. یافته ها نشان می دهد زنان گرچه برای رفع مشکل به جادو روی می آورند، اما به جادو بیشتر به چشم نوعی فراغت و سرگرمی نگاه می کنند که در واقع یک انتخاب در میان انتخاب های ممکن است. سرخوردگی از حوزه عمومی و پناه بردن به حوزه خصوصی و فرجه شدن این حوزه، از عوامل پدیداری جادو در دوره معاصرست.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، دزفول، پدیدارشناسی هرمنوتیک، حوزه عمومی، حوزه خصوصی، جادو، دعا نویسی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۹/۱۵

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران vosooghi_mn@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری جامعه شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران n.khajezade@yahoo.com

مقدمه و طرح مساله

در سنت دیر پای جامعه شناسی بسیاری از فرایندهای اجتماعی به کمک عامل طبقه تحلیل می شد، چنان که آبخخور اصلی هویت افراد هم، طبقه آنها محسوب می شد امری که امروزه با توجه به اهمیت روز افزون پدیده ی مصرف (باکاک، ۱۳۸۱: ۱۲۰) به چالش کشیده شده است و بدین ترتیب سبک زندگی به عنوان بدیل طبقه اجتماعی قد علم کرد. سبک و شیوه زندگی عملکردهای روزمره ای هستند که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار و محیطهای مطلوب برای ملاقات با دیگران تجسم می یابند ولی این امور روزمره در پرتو ماهیت متحرک هویت شخصی به طرز بازتابی در برابر تغییرات احتمالی باز و پذیرا هستند (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

تغییر چهره ی شهرها و گسترش مراکز خرید، کافی شاپها، فست فودی ها، مراکز تفریحی و پارکها و اقبال بیش از پیش مردم به این اماکن از نشانگان مهم تغییر سبک زندگی است و این امر فقط مختص پایتخت و کلان شهرها نیست چرا که ارتباطات باعث اشاعه ی فرهنگ می شود و آموخته ها و اندوخته ها در یک مکان باقی نمی ماند، چنین است که نشانگان فوق در شهری چون دزفول نیز خود را نشان می دهند، مصرف گرایی و رقابتهای بی پایان برای حضور در مراکز خرید، تغییر سبک زندگی و باز اندیشی در حوزه های مختلف اموری است که بنا به تجربه زیسته محقق و مصاحبه های اکتشافی به خوبی مشهود است.

اما از نظر ما سبک زندگی نوین که در مواردی چون چیدمان اثاثیه منزل، مهمانی رفتن، جلسات خانگی، تماشای سریالهای ماهواره ای، رفتن به رستوران، جشنها و... خود را نشان می دهد، میانه و برزخ حوزه عمومی و خصوصی است و انتخاب نوع خاصی از سبک زندگی منجر به شکل دادن حوزه خصوصی و عمومی هر فرد می شود. پس سبک زندگی با مفهوم حوزه خصوصی و عمومی تجانس می یابد. حوزه عمومی از یک طرف در برابر حوزه خصوصی و از طرف دیگر در برابر دولت قرار می گیرد و فضایی است حقیقی یا مجازی که افراد خصوصی در آن گردهم می آیند و فارغ از دخالت قدرت در آن به بحث و گفت و گوی عقلانی درباره مسائل مورد علاقه می پردازند. ورود در این مباحث برای همگان آزاد است و هیچ محدودیتی نیز برای انتخاب موضوع مورد گفت و گو وجود ندارد. معیار نهایی در بحث ها برای رسیدن به نتیجه فقط استدلال بهتر و برتر می باشد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۵۸-۵۹).

به هر روی انتخابهای روزمره ای که آدمی به طور عادی انجام می دهد از اجزای اساسی زندگی او محسوب می شوند، گرچه سنن جا افتاده تا حدی تعیین کننده مسیر ما هستند اما هر یک از ما در عین حال انتخابهایی در مسیر این سنتها می توانیم داشته باشیم، در عین حال به نظر می رسد نظامهای معرفتی ما نیز در این انتخابها حایز اهمیت باشد.

برنامه ریزی زندگی^۳ در بحث بازانندیشی در جامعه مدرن، مطرح می شود، اما آیا می توان عناصری جادویی را در این برنامه ریزی استخراج کرد؟ آیا آنچه گیدنز "تنوع غامض انتخابهای ممکن" در تجدد امروزین (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۱۹) می خواندش، خود می تواند عامل کشش زنان شهری به سمت جادو باشد؟ چرا که نظام معرفتی مبتنی بر جادو چه در اشکال سنتی و چه بسته بندی شده در اشکال متنوع جدید، نه تنها در سبک زندگی زنان وجود دارد که گاه تقویت هم می شود و با رفتارهای شبه مذهبی نیز همراه می شود.

از سویی دیگر ما بر آنیم که خانه و حوزه خصوصی در زندگی شهری اهمیت زیادی پیدا کرده است. اهمیت خانه و حوزه خصوصی، خانه را چونان دژی استوار در مقابل وظایف شهروندی و جامعه مدنی نمایان می کند. اگر به پیروی از گیدنز بپذیریم که سیاست زندگی یعنی سیاست تصمیم گیریهای مربوط به زندگی (همان: ۳۰۱) وقتی آدمی به این دریافت برسد که نمی تواند رابطه ای فعالانه و پویا با عینیت داشته باشد، سیاستی دیگر گونه برای زندگی اش در پیش می گیرد. سر در گریبان خود فرو می برد و معنا را به گونه ای دیگر برای خود تعریف خواهد کرد. پس به نظر می رسد عدم توانایی در ایجاد رابطه ای فعالانه و پویا با عینیت، باعث بازتعریف معنا و دیگر گونه دیدن آن می شود و بدین گونه انسان در تلاش برای تاب آوردن واقعیت تلخ بیرونی، ذهنیت را بر عینیت ترجیح می دهد (هگل، ۱۳۹۰: ۵۹) و چنین می شود که معنا را در حوزه خصوصی می جوید.

^۱-life Planning

بر مبنای شواهد، زنان در میان انتخابهای متعدد خود به جادو نیز نیم نگاهی دارند، به نظر مالینوفسکی جادو، ملازم و همراه زندگی نایمن و خطرناک است (افشانی، ۱۳۸۵: ۳۴).

البته گرایش دوباره و تقویت شده ی شهر به جادو و رفتار های شبه مذهبی می تواند دلایل متعدد داشته باشد، دلایلی چون ناخرسندی از مدرنیته تا واکنشی سیاسی به حاکمیتی که می خواهد دین را تحت کنترل خود در آورد و بدینگونه مردم به عنوان نوعی مقاومت به باز تولید اشکال نامتعارف می پردازند.

اما جادو به چه معناست: "مجموع اعتقادات و اعمالی جادو خوانده می شوند که در آنان هدف، ایجاد اثراتی ماورای طبیعی و خارج از قلمروی شناخته های عقلی باشد که از طریق تسلط بر نیروهای نامرئی و یا استفاده از ارواحی که در خدمت این نیروها قرار دارند، به دست می آید" (بیرو، ۱۳۸۰: ۲۰۹)

نکته حایز اهمیت در این باره، این است که دو عنصر تقدیر و باز اندیشی در عین تفاوت، با هم ارتباط برقرار می کنند و به نظر می رسد زنان تقدیرگرا به این امور گرایش بیشتری دارند اما آیا تقدیر گرایی^۴ به معنی پذیرش بی چون و چرای وقایع و تسلیم در برابر آنان (همان: ۲۶۳) می تواند در بطن جادو نهفته باشد؟

جادو در واقع میلی در جهت دگرگونی هستی و غلبه بر طبیعت است. در مقابل دین که امور را به خداوند واگذار می کند، جادو در طلب دگرگونی واقعیت است و بدین ترتیب غایت جادو و علم، با شیوه های بسیار متفاوت، یکسان است. از این منظر به نظر می رسد دین داری عامیانه، تقدیر گرایی بیشتری، به نسبت جادو، در بر داشته باشد. زنی که برنامه ریزیهایش بر جادو استوار می گردد به جای واگذاری امور به خداوند، با واسطه جادوگر، برای کنترل بر امور به نیروهای مرموز متوسل می شود، اما از آنجا که زن مراجع نقش فعال و کنش فردی آگاهانه ای در معادلات ندارد و بازی را به هستی واگذار می کند که گاه خداست و گاه نیروهای مرموز که قرار است به مدد او بیایند در این معنا او تقدیرگراست^۵.

حتی شخصیت های اساطیری جادو گر، اغلب از ویژگی های زنانه برخوردارند، وقتی گفتمان غالب، گفتمان مردانه است و زنان طبقه ی فرودستی را تشکیل می دهند که حقوق، تفکر، هنر و قابلیت هایشان توسط جامعه حذف می شود یا به حاشیه رانده می شود، آن گاه این زن است که برای ایستادگی و پذیرفتن شکست از نیروی هوش مندی و فریب کاری و دل ربایی خود سود جسته تا مطیع محض مرد نباشد (مزدا پور، ۱۳۷۴: ۱۲). هر قدر که نابرابری زن و مرد بیشتر می شود، قدرتهای فریبندگی و جادویی زنان بیش تر خود را می نمایند (همان: ۱۲۳). البته گاه تمایل به جادو نوعی تلاش در کسب هویت است^۶

به نظر می رسد در دنیای مدرن، جادو هنوز هم مرجع برنامه ریزی زنان است و زنان با اعتقاد به باورداشتهای جادویی، از این باورداشتها در جهت شناخت و نظارت بر واقعیت بهره می گیرند.

ما بر آنیم تا نشان دهیم که سبک زندگی به سمت حوزه ی خصوصی تغییر پیدا کرده است. تغییری که به زعم ما معنای دو گانه ای در خود دارد، در معنای اول این تغییر، به دلیل اینکه کنشگر رابطه ی خود با عینیت را از دست داده است، راه حلی موقتی و افیونی محسوب می شود، اما در معنای دوم، این تغییر، ادامه ی حیات به گونه ای دیگر است که در نهایت تاریخ را به جلو می برد.

2- Fatalism

^۵ - گرچه این برنامه ریزی جادویی از دید کنشگر علمی و انسان مدرن غیر عقلانی است ولی آنقدر به علم شباهت دارد که فریزر خواهر حرامزاده علم بنامدش. مراجعه شود به فریزر فریزر، رابرت.، (۱۳۸۴)، شاخه ی زرین (پژوهشی در جادو و دین)، ترجمه کاظم فیروز مند، تهران: مؤسسه ی انتشارات آگاه

^۴ - در این زمینه به طور خاص توجه دختران به خرده فرهنگ، تلاشی برای کسب هویت است. مراجعه شود به پور غلام، زهرا، (۱۳۸۶)، سبکهای

زندگی یا رفتارهای خرده فرهنگ در بین دختران نوجوان پژوهشگاه تحقیقات استراتژیک، پژوهشنامه شماره ۱۱

هدف این مقاله آن است که سبک‌های نوین زندگی را مورد بررسی قرار دهد و در این میانه اشکال متداول برنامه ریزیهای جادویی و تاحدودی چرایی این گرایش را به طور موردی در شهر دزفول بکاود و نشان دهد که جادو در زندگی امروز نیز کارکرد دارد و حتی نوعی پیوند با مفهوم مدرن برنامه ریزی زندگی پیدا کرده است. مراجعه به دعانویس و جادوگر چه جایگاهی در سبک زندگی و برنامه ریزی زنان دارد؟

پیشینه ی تحقیق

از نظر آزاد ارمکی (۱۳۸۶)، در "الگوهای سبک زندگی در ایران" ضمن اینکه سبک زندگی ایرانیان متأثر از دین و خانواده است. اما یکی از مهم‌ترین ویژگیهای سبک‌های زندگی تکرر آن است که شمارش انواع سبک‌ها در آن میسر نمی‌باشد. ویژگی دوم سبک زندگی ایرانی «در سایه بودن» آن است.

"سبک‌های زندگی جهان وطنانه در میان جوانان ایرانی و دلالت‌های سیاسی آن" عنوان مقاله‌ی شهابی (۱۳۸۶) است. او معتقد است، انشعاب فراوان قدرت و ثروت در جامعه ما، باعث می‌شود سبک‌های زندگی، فرصت‌های برابر برای همه قرار ندهد. به همین دلیل این سبک‌های زندگی غیرقانونی شده و از بازنمایی آن‌ها هم جلوگیری می‌شود و تا زمانی که قدرت از طریق هنجارها جلوی شکل‌گیری سبک‌های زندگی را می‌گیرد طبیعی است که در سبک‌های زندگی جوانان دوگانگی ایجاد شده و لازمه زندگی در این محیط این است که افراد حوزه‌های زندگی خود را جدا می‌کنند.

در این میانه اما، یکی از تجلی‌گاه‌های سبک‌های زندگی متمایز، پوشش است، حمیدی و فرجی (۱۳۸۷) در مقاله "سبک زندگی و پوشش زنان در تهران" به دنبال یافتن سبک‌های زندگی متفاوت در پوشش زنان در تهران، با استفاده از روش کیفی و مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۴۰ زن، به توصیف نوع پوشش زنان در محیط‌های اجتماعی گوناگون و برخی مؤلفه‌های زندگی آنان، نظیر میزان درآمد و سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی، پرداخته و نوع پوشش و وضعیت اجتماعی آنان را ترسیم کرده‌اند که بر این اساس ۹ تیپ از هم متمایز شده‌اند.

فاضلی (۱۳۸۷) با پرداختن به "سبک زندگی فرهنگی جامعه دانشجویی" به دنبال پاسخ این پرسش است که میزان مصرف فرهنگی دانشجویان در شرایط فعلی تا چه اندازه قادر است ایشان را برای ایفای نقش شهروند آگاه و مشارکت‌جو آماده کند. هم‌چنین بر مبنای نظریه سبک زندگی و انتقال بین نسلی سرمایه فرهنگی، ایده‌هایی درباره آینده مصرف کالاهای فرهنگی در ایران ارائه می‌کند.

شالچی (۱۳۸۷) به بررسی "سبک زندگی جوانان کافی شاپ" در منطقه ۳ تهران می‌پردازد و تلاش می‌کند ویژگی‌های سبک زندگی این گروه از جوانان را مشخص کند. نتایج یافته‌های این مطالعه از نمونه احتمال ۲۲۳ نفری به روش پیمایشی، نشان می‌دهد که در این فضای اجتماعی ویژگی‌های سبک زندگی پسامدرن از قبیل مد و سلیقه التقاطی، تعامل امر محلی و جهانی، اهمیت سرگرمی و مصرف و نقش حیاتی لذت دیده می‌شود.

به نظر سفیری و مدیری (۱۳۸۷) در "تفاوت‌های جنسیتی در اوقات فراغت"، که به روش اسنادی و با مطالعه‌ی ۴۳ مقاله‌ی علمی پژوهشی و پایان‌نامه به شیوه فراتحلیل و ابزار spss و Comprehensive meta-analysis انجام گرفته است، اوقات فراغت عرصه‌ای است که افراد بدون دغدغه و تنش می‌توانند ارزش‌ها و علایق خود را نمایان ساخته، قدرت و مقاومت خویش را به نمایش بگذارند و به عنوان نماینده‌ای از طبقه اجتماعی خود اجرای نقش کنند. اما جنسیت به مثابه عاملی فراطبقاتی موجب تفاوت و ایجاد نابرابری میان زنان و مردان را فراهم می‌آورد و بدین سان موجب می‌گردد، اوقات فراغت زنان، مبهم، اندک و منقطع باشد، بیش‌تر در خانه سپری شود و آمیخته با فعالیت‌های خانگی و مادری باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که، اولویت‌های فراغتی در مردان و زنان متفاوت است، در مردان، فراغت‌های حرکتی به ویژه ورزش از اولویت بالاتری برخوردار است و هم‌چنین فراغت‌های هدفمند نیز در ایشان بیش‌تر است و رضایت زنان در زمینه اوقات فراغت از مردان کم‌تر است.

ویل (۱۹۹۰) مفهوم سبک زندگی را در مطالعات اوقات فراغت در سه نشریه اخیر بررسی می کند ، او اشاره می کند که بر مبنای نظر کن رابرتز (۱۹۹۹) سبک زندگی، مفهوم کلیدی برای مطالعات اوقات فراغت نیست چرا که جایگزین فاکتورهایی مثل سن ، جنسیت و طبقه اجتماعی نیست، او در ادامه با بررسی آرای دیگر نتیجه می گیرد که مفهوم سبک زندگی یک مفهوم مفید است که سهم قابل توجهی در در بهبود مطالعات فراغت دارد.

در مطالعه‌ی روسویگ^۷ (۲۰۰۵) با عنوان "سبک زندگی تغییر یافته‌ی جهانی و الگوهای مصرف" در مورد جامعه‌ی امریکا، ضمن اشاره به یک سبک زندگی آمریکایی ، بر اساس یافته‌های پژوهشی دیگر ، ۶۰ گروه سبک زندگی در آمریکا تشخیص داده است که رفتارهای مصرفی و گرایشات سیاسی متفاوتی دارند

پالومتس (۲۰۰۲) در تحقیق خود در مورد سبک زندگی در استونی، بر اساس ترکیب سرمایه های فرهنگی و اقتصادی مورد نظر پیر بوردیو سه گروه تشخیص می دهد گروه اول با سرمایه اقتصادی و سرمایه تحصیلی بالا معین می شوند، شاخص گروه دوم ، سرمایه اقتصادی بالاست و گروه سوم با سرمایه تحصیلی بالا از گروههای دیگر متمایز می شود. در ضمن هر کدام از گروههای ذکر شده سبک زندگی خاص خود را دارند.

بینکلی (۲۰۰۷) در "حکومتی شدن و مطالعات سبک زندگی" اشاره می کند که پژوهش های اخیر به مساله سبک زندگی بسیار پرداخته اند، اما آنچه او نتیجه می گیرد آن است که شادی به عنوان ویژگی سبک زندگی معاصر و به عنوان موضوعی از تحقیق جامعه شناسانه است و پیشنهاد می کند که حوزه میان رشته ای از مطالعات شادی، نه تنها یک تحقیق سبک زندگی است بلکه به همان نسبت مطالعه حکومتی هم محسوب می شود.

مطالعات پیشین ابعادی از سبک زندگی را در زمینه پوشش، اوقات فراغت و تمایز سبکهای زندگی را به نمایش می گذارند اما در تحقیق حاضر سبک زندگی در دوراهی حوزه خصوصی و عمومی نمایان می شود و در این میانه اهمیت جادو در حوزه خصوصی مورد بررسی قرار می گیرد.

ملاحظات نظری

سبک زندگی مجموعه‌ی رفتارها و نگرشها، ارزشها و جهان نگرى افراد را منعکس می کند که در متن اجتماعی معنای خود را می پیدا می کنند و الگوهایی از کنشند که باعث تمایز افراد جامعه از هم می شوند (Chaney, 1996:4). سبکهای زندگی که در رفتار افراد مشهودند برون داد ارزشها و باورهای مشترک یک گروهند (mckee:1969:81) و مجموعه‌ای نسبتا هماهنگ و انسجام یافته از رفتارها و فعالیت‌های یک فرد در طول زندگی روزمره اند که عاداتها و جهت گیریهای او را نیز در بردارند (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۲۱). سبک زندگی روش الگومند مصرف، درک و ارزش گذاری محصولات فرهنگی مادی و در عین حال مهمترین منبع هویت است و مجموعه‌ی رفتاری در حوزه‌ی مصرف فرهنگی و مادی زندگی اجتماعی است که در عرصه‌ی عمل محقق شده و قابل مشاهده است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۵۷) اما آنچه سبک زندگی ما را از یکدیگر متمایز می کند تنها سرمایه اقتصادی نیست و در این میان سرمایه فرهنگی نیز حایز اهمیت است. در نگاه بوردیو، مدرنیته با پرورش فردیتی همراه است که مبتنی بر سبک زندگی ، ذوق و سلیقه ، منش فردی ، مد و ذایقه است. او مصرف را نظامی از نشانه ها و نمادها می داند که به تمایز گذاری اجتماعی منتهی می شوند (Bourdieu, 1984:66). گیدنز نیز سبک زندگی را مفهومی متاخر می داند که ملازم مدرنیته است ، هویت به این ترتیب به امری تاملی و روزمره بدل می شود و در سبک زندگی تجلی می یابد و بودن و کیستی فرد در جریان تصمیم های روزمره در مورد خوردن و پوشیدن و رفتار کردن بروز می یابد (Giddens, 1991). چینی نیز سبک زندگی را پاسخی کارکردی به امر مدرنیته می داند (chany, 1996:4) از سویی دیگر به زعم بوردیو مردمی که در یک فضای اجتماعی تنفس می کنند، شباهتهای بسیاری در سبک زندگی شان وجود دارد (بوردیو، ۱۳۸۰: ۳۳) در عین حال شهابی معتقد است که در جامعه‌ای که سبک‌های

7- Reusswig

زندگی، فرصت‌های برابر برای همه قرار نمی‌دهد سبک‌های زندگی غیرقانونی شده و از بازنمایی آن‌ها هم جلوگیری می‌شود (شهابی، ۱۳۸۶) در این میانه زنان به دلیل مشارکت کمتر در عرصه عمومی و حضور بیشتر در عرصه خصوصی بیشتر این قابلیت را دارند که در عرصه خصوصی بر اساس نحوه مصرف و سبک زندگی دست به ایجاد و نمایش هویت‌های گوناگون بزنند (رفعت‌جاه، ۱۳۸۳: ۷۸). یکی از راه‌های ابراز این امر، جادوست. تفکر جادویی نوعی نظام معرفتی به شمار می‌آید که چون دیگر مقولات اندیشه فرد متأثر از جامعه است (گلوور و دیگران، ۱۳۸۳، توکل ۱۳۸۷، علی زاده، ۱۳۸۳). چراکه از نظر مارکس، خود فرد هم، یک هستی اجتماعی است (دانش، ۱۳۸۶: ۲۲)

از سویی دیگر نقش‌های جنسیتی آموزش داده شده از سوی جامعه نیز به زنان می‌آموزد که خانه و عرصه خصوصی جای آنهاست و بیرون از خانه و عرصه عمومی - که اینک مجال چندان فراخی نیست - هم بیشتر جایگاهی مردانه است تا زنانه. چنین است که از نظر فمینیست‌ها، مردانگی با قلمرو عمومی یکی است؛ مرد یعنی کسی که کارهای مهمی را خارج از قلمرو خانگی انجام می‌دهد، یعنی کارهای مردانه (ریترز، ۱۳۸۴: ۲۷)

پس نقش‌هایی که جامعه به زنان نسبت می‌دهد گاه بیمارهای ذهنی و روانی برای زنان ایجاد می‌کند (Flammang, 1983: 182)

(و به این ترتیب زنان به موجوداتی افسرده و ناخودآگاه بدل می‌شوند که به راه‌های تخدیری چون جادو روی می‌آورند).^۸ با اشاره به نظر مک‌رابی و گاربر، می‌توان گفت که کنترل والدین و نگرش‌های جنسیتی آنان مانع می‌شود که دختران در گوشه‌خیابان‌ها پرسه بزنند و همین امر باعث می‌شود تا فرهنگ دختران به طور خصوصی و در خانه جریان داشته باشد، که این نشان دهنده موقعیت تابع و پوشیده‌زنان و دختران در جامعه است (پورغلام، ۱۳۸۶).

واقعیت دیگری که در جامعه مشهود است بیگانگی سیاسی و اجتماعی است که خاص زنان هم نیست، بیگانگی سیاسی-اجتماعی واقعیتی فکری است که در آن فرد احساس می‌کند بخشی از روند اجتماعی و سیاسی جامعه نیست؛ بیگانه شده اجتماعی-سیاسی معتقد است که شرکت او موجب تغییری نمی‌شود. بیگانگی اجتماعی-سیاسی ممکن است به صورت احساس بی‌قدرتی، بی‌معنی بودن، بیگانه شدن از فعالیت اجتماعی و بی‌هنجاری بروز کند بی‌قدرتی یا فتور، احساس فرد است مبنی بر اینکه کنش و شرکت او هیچ تأثیری در تعیین سیر وقایع ندارد (محسنی تبریزی ۱۳۸۱: ۱۵۵).

بدین ترتیب محدودیت انتخاب‌های بیرونی، عدم اقتناع آدمیان در حوزه عمومی را در پی دارد، که این امر منجر به خزیدن افراد در حوزه خصوصی به دلیل انتخاب‌های بیشتر در این حوزه می‌گردد، گویی کنشگران اجتماعی حوزه خصوصی را به عنوان "جبرانی" برای حوزه عمومی بر می‌گزینند، تا آنچه در حوزه عمومی از آنها دریغ داشته‌اند، به شکلی دیگر گونه در حوزه خصوصی دنبال کنند. و همین امر به قوت یافتن حریم و حوزه خصوصی در زندگی امروز فرد ایرانی منجر می‌شود و در این میانه، جادو نیز قوتی دوباره و دیگرگونه یافته است.

روش شناسی

روش تحقیق پژوهش حاضر، کیفی و از نوع پدیدار شناسی هرمنوتیک است. روش پدیدار شناسی از روش توصیفی، استقرایی مشتق شده است و از فلسفه پدیده شناسی سرچشمه می‌گیرد (عابدی، ۱۳۸۹: ۲۰۸) و در آن، معنی هر پدیده صرفاً توسط شخص تجربه کننده آن قابل توصیف است (عابدی و دیگران، ۱۳۸۳: ۶۵) و به عنوان یک فلسفه ی تحقیق است که پدیده ی اجتماعی را به عنوان برساخته اجتماعی می‌بیند و این امر به طور خاص با معانی مولد و بینش‌های سودمند درون آن پدیده ها در ارتباط است)

^۸ - دوگانه انگاریهای جهان شمول چون عقلانی/عاطفی، منطقی/شهودی، مستقل/وابسته و فعال/منفعل، ساختارهای فکری ناعادلانه ای را به زنان و مردان تحمیل می‌کند. در این دوگانه انگاریها مفهومی که به زنان نسبت داده می‌شود همیشه وزن ارزشی کمتری دارد (رهبری، ۱۳۸۷: ۵).

^۹ - option

(Saunders, 2007:597). سوال کلی پدیدارشناسی این است که مفهوم، ساختار و اساس تجربه موجود در مورد این پدیده برای شخص یا گروه مورد نظر چیست و واقعیت ذهنی هر فرد چگونه در معنی دار کردن تجربیات به کار می رود. (توحیدی اردهایی و حیدری زاده، ۱۳۹۰: ۲۰۱). در این پژوهش ما برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه های عمیق فردی که بین ۱۰۳۰ تا ۲ ساعت بود بهره گرفتیم. جامعه ی مورد مطالعه این تحقیق کلیه ی زنان دزفولی است که در برنامه ریزی زندگی خود از امور جادویی چون دعانویسی، طلسم و یا فال قهوه استفاده می کنند و تمایل به مشارکت در این تحقیق را داشتند.

معمولا شیوه ی نمونه گیری در تحقیقات کیفی - میدانی، نمونه گیری کیفی، هدفمند یا نظری است... بر اساس این نوع از نمونه گیری، برای گردآوری اطلاعات، محقق با افرادی تماس برقرار می کند که در زمینه ی موضوع تحت بررسی یا جنبه هایی از آن دارای اطلاعات و شناخت مناسب و کافی باشند. (محمد پور و رضایی، ۱۳۷۸: ۱۸-۱۹).

در پژوهش هرمنوتیکی و پدیدار شناختی افرادی انتخاب می شوند که در زمینه موضوع خاص مطالعه تجربه زیسته ای دارند (Starks & Brown Trinidad, 2007:1373; van Manen 1997) و البته تمایل به صحبت در مورد تجربه خود دارند، در ضمن مشارکت کنندگان در مصاحبه باید از یکدیگر متفاوت باشند تا روایتهای غنی و یگانه ای از آن تجربه خاص به دست آید (van Manen, 1997). به هر روی در این روش، نمونه براساس مصلحت و یا به صورت هدفمند انتخاب می شود (Iphofen, Ron, 2005:26) در این روش نمونه گیری، تعداد افراد مورد مصاحبه، یا به عبارت دیگر، حجم نمونه به اشباع نظری^۱ بستگی دارد (محمد پور و رضایی، ۱۳۷۸: ۱۹) یعنی حجم نمونه تا آنجا پیش می رود که داده ها کامل شوند و اشباع داده ها حاصل شود (عابدی، ۱۳۸۵: ۶۶) چراکه دیگر فهم روشنتری از مصاحبه های بعدی به دست نمی آید (Sandelowski, 1986:57)

معمولا کسانی که با روش پدیدارشناسی توصیفی، کار می کنند، از روش کلایزی و افرادی که از روش پدیدارشناسی تفسیری پیروی می کنند، از روش دیکلمن و همکاران بهره می گیرند (Diekelmann et al, 1989؛ عابدی، ۱۳۸۹: ۲۱۶؛ عابدی، ۱۳۸۳: ۶۶؛ محمد پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۶).

دیکلمن و همکاران زمانی که روششان را به عنوان یک هایدگری تشریح می کنند، این روش بیشتر بازتاب چشم اندازی ریکوری با هدف معرفت شناسی است تا هستی شناختی (Ortiz, 2009). بدین ترتیب در پژوهش حاضر، تجزیه و تحلیل داده‌ها با رویکرد هرمنوتیک و به روش دیکلمن و همکاران انجام گرفت که با اتکا بر پدیدارشناسی هایدگری، فرآیندی هفت مرحله‌ای را در بر دارد که به صورت گروهی اجرا می شود و شامل موارد زیر است:

۱ - چند بار خواندن تمامی مصاحبه‌ها و متون جهت مانوس شدن با داده ها و دستیابی به یک درک و ایده کلی (Loiselle et al, 2010:330)، به اعتقاد دیکلمن و همکاران (۱۹۹۴) محقق باید بخواند و بازخوانی کند، رها کند و به متن به عنوان آغاز صحبت برگردد (Parsons, 2010:65)

۲ - نوشتن خلاصه‌های تفسیری برای هر کدام از مصاحبه‌ها. (Loiselle, et al, 2010:330)

۳ - تحلیل مصاحبه های پیاده شده بر گزیده یا متون بوسیله گروه پژوهش (Ibid) و شناسایی و استخراج درون‌مایه‌ها. درون‌مایه به عنوان ساختار تجربه فهمیده می شود (Parsons, 2010:65).

۴- حل هرگونه تناقض موجود در تفاسیر با مراجعه به متن (Loiselle et al, 2010:330)، بازگشت و رجوع مجدد به متن مصاحبه‌ها و یا شرکت کنندگان به منظور تبیین، روشن‌سازی و طبقه‌بندی موارد عدم توافق و تناقضات موجود در تفاسیر ارایه شده و نوشتن یک تحلیل کلی و ترکیبی از هر متن (مصاحبه) انجام می گیرد (محمد پور و همکاران، ۱۳۹۰).

7- Theoretical saturation

۵- مقایسه و مقابله متون (مصاحبه‌ها) به منظور شناسایی و بازخوانی محورهایی که معانی مشترک و عملکردهای زندگی روزمره را بازتاب می‌دهد (Loiselle, 2010:330, etal,)

۶- شناسایی روابط برآمده بین محورها و درون مایه‌ها (Ibid) و شناسایی و استخراج الگوهای بنیادین که ارتباط درون مایه‌ها را برقرار نموده و آن‌ها را به همدیگر وصل کند (محمد پور و همکاران، ۱۳۹۰).

۷-ارایه نسخه‌ای پیش نویس از درون مایه‌ها، همراه مثال‌هایی از متون مصاحبه‌ها به اعضای گروه، جهت ترکیب پاسخ‌ها و پیشنهادها در پیش نویس نهایی (Loiselle, 2010:330, etal,)

مراحل اعتبار و اعتماد سازی در روشهای کیفی را صحت و دقت مطالعه یا موثق بودن^{۱۱} داده‌ها گویند (عابدی، ۱۳۸۵: ۷۲ و پاشایی ثابت و دیگران، ۱۳۹۰)

در پژوهش حاضر سعی شد از چهار معیار موثق بودن تحقیقات کیفی، یعنی قابلیت اعتبار، قابلیت اطمینان، قابلیت تصدیق و قابلیت انتقال استفاده شود، برای تضمین قابلیت اعتبار که عبارتست از میزان صحت یافته‌ها، یکی از راه‌هایی که گویا و لینکلن^{۱۲} در ارتقای اعتبار داده‌های کیفی توصیه می‌کنند

درگیری طولانی مدت و مشاهده مصرانه است. برای تحقق این هدف، زمان زیادی را به جمع‌آوری داده‌ها اختصاص دادیم و در صورت مواجهه با نکات مبهم در هنگام تجزیه و تحلیل داده‌ها برای روشن شدن ابهامات دوباره به مشارکت کنندگان مراجعه شد یا چنانکه پاشایی ثابت نیز (۱۳۹۰) اشاره کرده است، به مصاحبه تلفنی پرداختیم. برای رعایت زاویه بندی پژوهشگر و ارتقای اعتبار، از همکاران متخصص کیفی و هم چنین تخصص‌های متفاوتی چون فلسفه و روان‌شناسی بهره گرفتیم. مصاحبه عمیق با مصاحبه شونده‌گان و ارایه‌ی باز خورد لازم به آنان برای کشف وجوه مختلف حقیقت از جمله راهکارهای دیگر است. در صورت لزوم، پس از تجزیه و تحلیل هر مصاحبه، برای تایید مطالب مجدداً به شرکت کنندگان مراجعه شد و در صورت لزوم تغییرات لازم اعمال شد. به طور کلی برای تضمین مقبولیت پژوهش، نتایج باید تحت بررسی چند نفر از همکاران آشنا با موضوع و پژوهش کیفی قرار گیرد و مصاحبه‌ها با هدایت مشارکت کننده انجام شود (نادی سخویدی، ۱۳۸۹: ۲۵۹) به منظور تعیین قابلیت تصدیق، محقق سعی نموده است که پیش فرض‌های خود را تا حد امکان در روند جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها دخالت ندهد. برای دستیابی به قابلیت اطمینان که عبارتست از کفایت روند تجزیه و تحلیل داده‌ها و فرآیندهای تصمیم‌گیری، محقق از راهنمایی و نظارت اساتید صاحب نظر استفاده نموده است به منظور افزایش قابلیت انتقال یافته‌ها به موقعیت‌ها و گروه‌های مشابه از شرکت کنندگان متفاوت استفاده نموده است (پاشایی ثابت، ۱۳۹۰). برای اینکه پایایی تحقیق لحاظ شود سعی شد جمعیت نمونه تا حد امکان ناهمگن باشد و تمام مصاحبه‌ها توسط محقق انجام گرفت و در نهایت سخنان ضبط شده بر روی کاغذ پیاده شد و محورهای اصلی آن استخراج گردید.

یافته‌ها

۱۵ ازن مورد مطالعه افرادی بودند که ۱۲ نفر برای فال قهوه و دعانویسی مراجعه کرده بودند، ۱ نفر به صورت غیر حضوری (تلفنی) درخواست کشیدن کارت کرده بود و ۲ نفر نیز مشخصاً اقدام به درست کردن جادو کرده بودند. مراجعه به این اماکن بسیاری از مواقع با توصیه‌ی دیگران یا به همراه دیگران بوده است، یعنی اطلاع یافتن از وجود این اماکن یا افراد و تشویق دیگران قدم اول بود، به این ترتیب افراد تنها زمانی به جادوگران فکر می‌کنند، که کسی آنها را به سوی جادوگران بکشد (فاوره سادا، ۱۳۸۹). به هر روی، سوال کلی مصاحبه چگونگی گذران اوقات فراغت، علایق فردی در زندگی و در ادامه جایگاه جادو در این میانه بود.

⁵- Truthworthiness

⁵- Guba& Lincoln

مصاحبه های انجام گرفته درون مایه های زیر استخراج شدند که در دو بخش کلی " برنامه ها و علایق فردی و فراغت زنان " و " انگیزه ها و سابق های رجوع " به جادو آمده است

۱- برنامه ها و علایق فردی، و فراغت زنان شرکت کننده

۱-۱ خرید و پاساژ گردی

خرید ، پاساژ گردی و بازار بخش عمده ای از مشغولیات، فراغتها و علایق بسیاری از زنان را تشکیل می دهد:

آزاده (۵۰ ساله ، فوق لیسانس، کارمند دولتی، مجرد) می گوید:

"توزرق و برق چراغها و نور و خیابونا خودمو گم می کنم تا ناراحتی هامو فراموش کنم ، خرید رو خیلی دوست دارم، می دونم تو کدوم سوراخ سنبه ی شهر چه چیزی با قیمت مناسب و کیفیت بالا پیدا میشه."

سیما (۲۷ ساله ، لیسانس، کارمند شرکت ساختمانی، متأهل) چنین می گوید :

" برای خرید یک قلم جنس می رم تو سوپر و همیشه بایه عالم بسته بندیهای مختلف میام بیرون... تو فصل حراجی ها می رم تهران."

۱-۲ مهمانی های دوره ای، محافل و جشنهای خانوادگی

از جمله تفریحهایی که در سالهای اخیر در میان فامیل و دوستان باب شده است، مهمانی های دوره ای و محافلی است که حول محورهای مختلف تشکیل می شوند، این مهمانی ها گاه کاملا زنانه یا مردانه و گاه خانوادگی است.

لاله (۳۲ ساله ، فوق دیپلم ، متأهل، خانه دار) می گوید :

" مثلا جلسه مثنوی خوانی تو منزل فامیل به صورت دوره ای برگزار میشه، یا تولد دوستها و فامیل یا مهمانی های دوره ای هر کدوم یک گوشه ای از نیاز آدمو برآورده می کنه که منافاتی هم با هم ندارن، بیرون کوچیک شده (با خنده) مردم خونه ها رو بزرگ کردن."

۱-۳ کافی شاپ، رستوران، اماکن تفریحی

یکی از مواردی که اکثر شرکت کنندگان در تفریحهای خود به آن اشاره داشتند رفتن به رستوران، کافی شاپ و آرایشگاه های مختلف بود

ژیلا (۲۲ ساله ، لیسانس، بیکار، مجرد) در این باره می گوید:

"کافی شاپ و رستوران جدید و مکان تفریحی جدیدی تو شهر باز نمیشه مگه ما اونجا رفته باشیم و کشفش کرده باشیم."

۱-۴ تماشای تلویزیون و ماهواره و گوش دادن به موسیقی

تماشای اعتیاد آور سریالهای ماهواره ای و صحبت درباره ی شخصیتهای این سریالها گاه به دغدغه ای تمام وقت بدل می شود و برنامه ریزی زندگی را معطوف به خود می کند که انگیزه ی روزانه ی بسیاری می شود، البته برخی دیگر چنین احساس و دغدغه ای را در مورد دنبال کردن برنامه های تفسیر خبر شبکه های ماهواره ای دارند. آزاده، این گونه نظر می دهد :

"از ساعت ۹-۱۲ شب حتی المقدور خونم یا جوری تنظیم می کنم که خونگی فامیل برسم سریالامو ببینم، از دست نمی دمشون."

مینا (۳۲ ساله، مدیر رستوران، متأهل، لیسانسه) هم می گوید :

" موسیقی تو آروم کردنم خیلی موثره "

۱-۵ خرید لوازم خانه

خرید ظروف پذیرایی متنوع و تزئینات منزل، گاه افراد را وارد مسابقه ی بی پایانی می کند که زندگی حول آن می چرخد

فریبا (۴۹ ساله، دیپلمه و خانه دار) می گوید: خوب خرید ظرف و ظروف و وسایل خونه رو خیلی دوست دارم، نسبتا خوب می خرم

الهام (۲۵ ساله، متأهل، خانه دار) می گوید:

"دوست دارم تو فامیل نفر اول برا خرید این چیزا باشم، خیلی از مهمونی ها واسه نشون دادن وسایل و مبلمان خونست."

۱-۶ دنیای مجازی

دنیای مجازی که روزانه در حال گسترش و فراخی است جنبه های غریبی یافته است، چنانکه افرادی که درون یک خانه زندگی می کنند، روابط متفاوتی با هم در فیسبوک برقرار می کنند. سارا (۲۳ ساله، مجرد، بیکار) می گوید:

"تو فیس بوک از دوستانم و فامیل خبر می گیرم، روزانه تو فیس بوک می چرخم، برا خواهرم هم که توی یه اتاقیم با هم، لایک می دارم، اونم همینطور و گاهی وبلاگ می خونم. طالع بینی و فال روزانه هم تو اینترنت می خونم."

۱-۷ ورزش، پیاده روی، رژیم غذایی

پارکها و برخی از معابر شهری در سالهای اخیر، محل پیاده روی کسانی است که مدام در حال افزایشند، گویی برای عده ای ورزش و توجه به رژیم غذایی بدل به مناسکی مدرن در زندگی امروزی شده است. شهناز (۵۰ ساله، خانه دار، دیپلمه) می گوید:

"من خودم ورزش اولویت زندگیمه، به زندگیم رنگ دیگری می ده، همه رو تشویق می کنم برن باشگاه، خودمو با ورزش و لباسای ورزشی سرپا نگه می دارم، اگه یه روز نرم انگار چیزی گم کردم، مثل نماز برام واجبه. رژیم غذاییم رو هم عوض کردم، وقتی غذای سالم می خورم، آرامش دارم."

فریبا هم این نظر را دارد:

"چیزای زیادی پیش اوامده تو زندگیم که کاملاً به هم ریختم میام یوگا که آرامش پیدا کنم."

مینو (۲۴ ساله، مجرد، مغازه دار) هم می گوید:

"به برنامه غذای ام خیلی اهمیت می دم، روغن کنجد، زیتون و هسته انگور استفاده می کنم، از محصولاتتی که مواد نگهدارنده دارن استفاده نمی کنم، شیرینی رو تو خونه می پزم."

۱-۸ مسافرت های داخلی و خارجی

از جمله موارد رو به گسترش در برنامه زندگی، مسافرت است که گاه تعداد آن محکی برای برآورد خوشبختی فرد است. ژیلای می گوید:

"خوب بعضیا همیشه مسافرتشون به راهه، نمی دونم چیکار می کنن که اینقدر شوهراشون همه چی رو براشون فراهم می کنن."

مینا هم می گوید:

"انگار واجبه که سالی یکی دوبار مسافرت بریم، البته دوماه یکبار هم مسافرت های کوتاه تفریحی با دوستانمون می ریم، تقریباً سالی یک بار مسافرت خارجی هم میریم، اونجا میتونم خودم باشم، هرجوری دوست دارم البته وقتی برمی گردم (مکث می کند و می خندد) یه مدت افسرگی می گیرم، با دیدن بدبختی های اینجا."

۲- انگیزه ها و سایق های رجوع به جادو

۲-۱ اسر خوردگی از حوزه عمومی دولتی

بسیاری از شرکت کنندگان ناخرسندی خود را از وضعیت موجود و از اینکه احساس می کردند همه فعالیتهای آنها توسط برخی نیروها رصد می شود و در عرصه عمومی آنچنان که دوست دارند نمی توانند حاضر شوند اعلام می کردند. آزیتا (۲۱ ساله، دانشجو، مجرد) می گوید:

"خوب مگه چه تفریحی می تونیم داشته باشیم؟ کجا می تونیم بریم؟ تازه اگه بتونیم و بشه که بریم اونجوری که میگن باید بپوشیم و بریم و بیایم، آزادی و امنیت خیلی کمه، ما هم اینجوری حال می کنیم، خونه ی دوستان جمع می شیم و هرچی دلمون بخواد می پوشیم، اون خانمه هم که گفتم گاهی برامون فال می گیره دیگه. تفریح ما توی مکان بسته باید باشه."

۲-۲ ساختن لحظاتی خوش با جمع دوستان و همکاران

حضور چند ماهه محقق در این اماکن این فرصت را به او داد که شاهد این امر باشد که مراجعات برخی از زنان به صورت جمعی و با دوستان بود و خوشگذرانی و تفریح از اهداف آن بود. نستر ۳۰ ساله که کارمند و متاهل است و برای دعانویسی به یکی از روستاهای مجاور شهر آمده، چنین می گوید:

"شاید آگه به خودم بود، هیچوقت اراده نمی کردم که پیام. امروز تو محل کار، همکارا حرف اینجا رو زدن، ۶-۷ نفری پاس ساعتی نوشتیم ساعت آخر و اومدیم اینجا، می گن دعاهاش می گیره، تو راه که خیلی خوب بود، جاده سر سبز، کلی هم تو راه خندیدیم."

ژیلایه فال قهوه به چشم تفریح و کنجکاوی نگاه می کند:

"کنجکاوم ببینم چه جور یاست؟ با دوستانم اومدیم، خوش میگذره قراره بعدش برا شام هم بریم به رستوران جدید. سعی می کنیم هر پیترا فروشی و کافی شاپی که باز میشه رو امتحان کنیم"

۲-۳ معنویت جویی و آرامش

حس معنویت و آرامشی که از پس چنین اقداماتی حاصل می شد غیر قابل انکار بود، افراد در مواجهه با موقعیتهایی که دلیل و منطقی خاصی برای آن نمی دیدند و در عین حال کاری هم از دستشان بر نمی آمد، در پناه این احساس آرام می گرفتند. مرجان (۴۲ ساله، دیپلمه و خانه دار) می گوید:

"آب بارون رو جمع کردم، دعا خوندم، آب دعاخونده برای شفای یکی از نزدیکامه که به نوعی بیماری روانی مبتلاست. آدم رو آرام می کنه."

۲-۴ چاره جویی (بخت گشایی، درمان، گشایش در کار)

مشکلات زندگی و مسایل مهم زندگی، بسیاری از مشارکت کنندگان را به سوی دعانویس و فالگیر کشانده بود، تا راه حلی بجویند. مینو می گوید:

"خواستگاری دارم، اما به همه جواب رد می دم، بختم رو بستن."

شهناز ۵۳ ساله خانه دار که به دعانویس برای حل اختلاف پسر و عروسش مراجعه کرده بود می گفت:

"عروسم میخواد بره اومدم پیش حاجی که چاره ای کنه بهم این طلسم رو داده که شب بذارم زیر سرم تا خواب ببینم که چاره رو تو خواب بهم بگن."

شادی ۳۲ ساله که کارمند ارشد یک اداره است و فوق لیسانس دارد می گوید:

"دخترم با دوستهای اسکیت سواری، شنا و کلاس های مختلف با هم میرن. زمانی که بچه ها کلاسین ما مادرها هم با هم هستیم، از مادر یکیشون درباره اینجا شنیده بودم. شوهرم بیماری روحی داره اومدم براش دعا بگیرم، هم روان پزشک می ره هم روان شناس، هم دارو درمانی می کنه هم روان درمانی، سالهاست درگیر این بیماریه. اومدم این راه رو هم امتحان کنم، هرچی باشه ضرر نداره، بعد از سالها هم فهمیدم که همه چی با دو دوتا چهارتا جور در نیامد. برای رفع چشم زخم از دخترم هم می خواهم دعا بگیرم"

فریبا هم می گوید:

"پسر ۲۵ ساله ام را دعاخون کردن که عاشق زنی متاهل با دو بچه شده، زنه هم دست از سرش بر نمی داره، زنگ زد تهران برام کارت بکشن."

۲-۵ جستجوی جنبه‌ی حمایت خواهی از جادو در برابر فشارها و رنجها

شرکت کنندگان در مصاحبه، در بسیاری از موارد به دنبال دگرگون سازی امور نبودند، بلکه کارکرد روانی جادو برای آنها حایز اهمیت بود. شمیم ۳۰ ساله می گوید:

"نوشتن چیز جادویی است، هر نوشتنی، خودم می نویسم در حد اینکه دعاهایی برای حرز داشته باشم، استفاده می کنم، توصیه هم شده."

مرضیه، ۲۸ ساله، کارمند می گوید:

"منتظر تغییر خاصی نیستم، در عین حال هم نمیام اینجا که خبر بدی بگیرم، به عنوان یک زن درگیریهایی زیادی تو جامعه داریم، خیلی چیزها مطابق میلیم نیست، اینجا یک زمان تنفسه... با حرفاش یک کم شارژ میشم."

بحث و نتیجه گیری

یافته های تحقیق حاضر نشان می دهد که جادو در برنامه ریزی زندگی زنان مورد مطالعه وجود دارد، اما زنان به عنوان تنها راه چاره به آن نمی نگرند، بلکه برای حل مشکل به متخصصان امر (پزشک، روان شناس) هم مراجعه می کنند. زنان به جادو، طی آنچه گیدنز "تنوع غامض انتخابهای ممکن" در سبک زندگی جدید، می خواند روی می آورند و جادو برایشان حتی اگر کارکرد خانوادگی هم داشته باشد، به گونه ای در بستر فردی جاری است.

جالب اینکه در زمینه‌ی جادو تنوع زیادی به چشم می خورد اگر در گذشته نهایتاً جادوی سفید و سیاه با نوشتن علائمی بر کاغذ وجود داشت حال انواع متفاوتی به چشم می خورد که طیفی از طالع بینی های مجله ها، فال اینترنتی تا کارت کشیدن تلفنی (فال تاروت)، قهوه و پرنده را شامل می شود

تحلیل حاضر اما بر آن است جادو را به عنوان امری جزئی درون کلیتی که در حال ایجاد و بسط یافتن است ببیند؛ کلیتی به نام تبلور عرصه خصوصی در کنار عرصه عمومی در سبک زندگی ایرانی.

گاه واقعیت تلخ بیرونی مجال را بر انسانها چنان تنگ می کند که آدمی مجبور است از کنار آن بگذرد به گونه ای که کمترین برخورد و نزدیکی با آن را داشته باشد، در نتیجه بیگانگی سیاسی مردم از حاکمیت - که در آن مردم حاکمیت را موجود هراس انگیزی می دانند که بهتر است فاصله خود را با آن حفظ کنند - افراد از حوزه عمومی دولتی شده، دلسرد می شوند.

سرخوردگی ناشی از بیگانگی سیاسی و عرصه عمومی، فرد را به عرصه خصوصی سوق می دهد. این عرصه خصوصی گاه با تغییراتی در سبک زندگی و قوت گرفتن هیاتهای مذهبی، کلاسهای یوگا، کلاسهای ورزش، مهمانیهای دوره ای، گذران وقت در دنیای مجازی و... خود را نشان می دهد. به نظر می رسد زمانی که در کلاسهای زبان و ورزش شرکت می کنند بیش از آنکه زبان یا ورزش فی نفسه برای آنها واجد ارزش باشد، به دنبال فرایند معنادهی به زندگی خود از طریق این کلاسها هستند، چرا باید جادو را از این روند کلی مجزا کنیم؟ جادو در مسیر فراغت زندگی طبقه متوسط بوجود آمده نه بر اثر ناچاری در انتخاب آن، چراکه زن شهری انتخابهای دیگری نیز دارد، انتخابهایی که به نوعی مصرف فرهنگی و تمایز او را به نمایش می گذارند.

برنامه ریزی زنان در سنین پایین معطوف به تشکیل خانواده و در سنین بالاتر مربوط به اداره، کنترل و ادامه زندگی خانوادگی است. اکثریت قابل توجهی از دختران مجرد برای برنامه ریزی جهت ازدواج و بخت گشایی به دعانویس و فالگیر مراجعه می کنند، این امر نشانه حضور پر رنگ ایدئولوژی مردانه در فضای جامعه مورد مطالعه است، برخی از زنان متاهل نیز در پی حفظ زندگی خانوادگی خود سراغ از جادو می گیرند. به این ترتیب به نظر می رسد مراجعه آنان پیرامون برنامه ریزی برای تشکیل خانواده و پس از آن حفظ و تداوم بخشی بدان است، پس، برنامه ریزی جهت مدیریت کردن زندگی خانوادگی، ایجاد وثبات بخشی و افزایش کارایی آن است که بیشتر این زنان را به سوی جادو سوق می دهد.

زنان در کنار مراجعه به جادوگر و فالگیر برای برنامه ریزیهای زندگی خانوادگی از مشاور و روان شناس نیز بهره می گیرند و خیلی وقتها در کنار دیگر روشها از جادو استفاده می کنند یا وقتی از روشهای دیگر مایوس می شوند سعی می کنند این راه را هم امتحان کنند. مسابقه بی پایان زنان با یکدیگر در آرایش و پیرایش سر و صورت، خرید شخصی و خرید لوازم منزل می تواند جایگزین هایی برای تلخی های زندگی و نابرابریها باشد که در عین حال نشان اهمیت بیش از حد خانه و حوزه خصوصی است. خانه در اینجا چون دژی استوار در مقابل وظایف شهروندی و جامعه مدنی خودنمایی می کند. در مورد دختران مجرد نیز بنا به گفته مک رابی و گاربر رفتارهای تبعیض آمیز والدین آنها را بیشتر به سمت عرصه خصوصی و فرهنگ اتاق خواب سوق می دهد. فرهنگ خصوصی در خانه به این ترتیب بازتاب موقعیت تابع زنان در عرصه عمومی است (مور و سینکلر، ۱۳۷۶: ۱۳۰). اما انتخابهایی چون مسافرتها سالیانه خارج از کشور و رفتارهای شبه مذهبی مثل کلاسهای عرفان زنانه، یا اموری چون احیای زنانه با جمع های خصوصی، کلاسهای خانگی تفسیر نهج البلاغه و به طور کلی کلاسهای خانگی که به نحوی جایگزین دانشگاهها، ان جی او ها و فرهنگسراهاست، خرید محصولات بسته بندی شده غذایی، کشف رستورانها و پارکهای بازی جدید شهر، سفر به تهران برای خرید عروسی و عید یا سفر به تهران در فصول حراجی پاساژهای گران قیمت و استفاده بیمارگونه از مثلث پارادیمی زندگی شهری امروز یعنی روان شناسی، ورزش، تغذیه، زندگی بسیاری از زنان را پر می کند.

در عین حال به نظر بتی فریدن خانه داری و مادری برای زندگی پر و پیمانی که بسیاری از زنان ناخودگاه آرزوی آن را در سر می پروراند کافی نیست (گیدنز، ۱۳۸۸: ۳۰۳).

پس حوزه خصوصی به تنهایی پاسخگوی نیاز زن نیست. اما زن رانده شده از حوزه عمومی که پناهی جز زندگی خصوصی خود ندارد، به فرجه کردن حوزه خصوصی می پردازد.

اعتیاد به تماشای تلویزیون (از دیدن اخبار و تفاسیر آنها تا سریالهای شبکه های ماهواره ای) گذران وقت در آرایشگاههای گران قیمت تا رصد روزانه ی ویتزهای پر زرق و برق، پیاده روی روزانه، ورزش و کلاسهای متعدد دیگر از مشغولیات زنان است، گهگاه نیز زنان تمام معنای زندگی را در فرزند خود جستجو می کنند و برنامه ریزی آنها فرزند محور است.

میل به برقراری ارتباط و حضور اجتماعی در جمع دوستان، با هم بودن و احساس مای جمعی، به بهانه هایی چون فال گیری نیز پاسخی مثبت می دهد، حتی اگر این حضور و ارتباط اجتماعی نیز به چاره جویی امور خصوصی پردازد.

به نظر می رسد زنان درگیر برنامه ریزی برای حوزه خصوصی اند تا حضور فعال در حوزه عمومی چرا که نقشهای جنسیتی آموزش داده شده از سوی جامعه نیز به زنان می آموزد که خانه و عرصه خصوصی جای آنهاست و بیرون از خانه و عرصه عمومی - که اینک مجال چندان فراخی نیست - هم بیشتر جایگاهی مردانه است تا زنانه. چنین تلقی جنسیتی، بنیانهای فرهنگ جنسی را تشکیل می دهد که خود مبنای شیوه فهم افراد در زندگی روزمره شان است و برنامه ریزه های زنان را نیز متأثر خواهد ساخت.

گرچه ساختارهای حاکم سخت و محکمند اما زنان همچنان قادرند بازاندیشی کنند و به رغم ساختارهای مدرن و تقدیر مکنون در سنت و به رغم باور به تقدیر راهی می جویند تا به این طریق در هم آمیزی غریب عناصر مدرن و سنتی را به نمایش بگذارند.

زن در حاشیه مانده، در پاسخ به فضایی که راهی برای برون رفت از آن نمی یابد، در کنج خرافه و جادو پناه می گیرد تا مگر از طریق آن به تسکین و آرامشی موقتی دست یابد و توجیه و توانی یابد جهت ادامه دادن مسیر نا برابری ها. چراکه وقتی ظرفیتهای جامعه و سیستم اجتماعی قادر به پاسخگویی عقلانی به نیازهای زنان و مردان، علی الخصوص زنان نیست آنها ناگزیرند خود دست به کار شوند، بنابراین جادو، که از طرف نظام اجتماعی و دینی چندان هم مطرود نیست و گاه کارکرد سیاسی نیز می یابد، می تواند پاسخگوی نیاز زنان باشد.

همانطور که قبلا گفته شد، زنان از جادو جنبه ی حمایتی می طلبند، نه جنبه دگرگونی سازی محیط اجتماعی تا شاید در کنف حمایت جادو به خویشتن خود مجالی بدهند برای بروز. در تحلیلی دیگر شاید بتوان اینگونه بیان داشت که توجیه برنامه ریزی این

زنان در پیوند با تقدیر گرایی شان که علی القاعده برنامه ریزی را نفی می کند این است که این زنان برای تغییر تقدیر دست به دامن صاحب تقدیر یا نیروهای مرموزی از جنس جادو می شوند.

از سوی جبر اندیشی و نگرش قضا و قدری مسکنی قوی در برابر بدبختی ها و ناکامیهاست که از فروپاشی روانی این زنان که راه دیگری نمی یابند، جلوگیری می کند. در این حال جادو به کمک زن می آیند و به نیاز او پاسخ می دهند و در مقابل دستورات دینی که صبر و تحویل امور به خداوند یا پاداش آن جهانی را چاره ی امور می دانند، نتایج ملموس و مادی برای فرد به ارمغان می آورد.

پس هنگامی که حوزه ی عمومی با نیازهای درونی آدمی هماهنگ نیست و او را دچار سرخوردگی می کند، انسان از بن بست حوزه عمومی به تنهایی خویش باز می گردد و در این خلوت و تنهایی راههایی برای غلبه بر وضع موجود ابداع می کند. و این چنین است که زنان گاه از حربه جادو برای برنامه ریزی در جهت تغییر واقعیت تلخ بهره می گیرند تا بر این درماندگی فایق آیند.

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی امامی، یحیی، ۱۳۸۳ تکوین حوزه عمومی و گفت و گوی عقلانی (بررسی موردی چند تشکل دانشجویی)، *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره پنجم شماره ۱ صص ۵۸-۸۹
۲. آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۸۶، الگوهای سبک زندگی در ایران، *مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام*، پژوهشنامه ش ۱۱
۳. افشانی، سید علی رضا، ۱۳۸۵، *تبیین جامعه شناختی گرایش به خرافات در ایران « مطالعه ی موردی: شهر های اهواز، اصفهان و ایلام »*، پایان نامه ی دکتری جامعه شناسی دانش گاه اصفهان
۴. باکاک، رابرت، (۱۳۸۱)، *مصرف*، ترجمه خسرو صبری، تهران: نشر شیرازه
۵. بوردیو، پی یر، (۱۳۸۰)، *نظریه کنش دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه متضی مردیها، تهران: نقش و نگار
۶. بوردیو، پی یر، (۱۳۹۰)، *تمایز، نقد اجتماعی قضاوت های ذوقی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث
۷. بیرو، آلن، (۱۳۸۰)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان
۸. پاشایی ثابت، رضائیک، علی، بخت نصرآبادی، فاطمه و کرمی، کییر، ۱۳۹۰، *مجله پرستاری مراقبت ویژه* دوره ۴ شماره ۲، صص ۵۹-۶۶
۹. پور غلام، زهرا، (۱۳۸۶)، *سبک های زندگی یا رفتارهای خرده فرهنگ در بین دختران نوجوان پژوهشکده تحقیقات استراتژیک*، پژوهشنامه شماره ۱۱
۱۰. توحیدی اردهانی، فاطمه و حیدر زاده، الهه، ۱۳۹۰، تحقیق کیفی با تاکید بر روش گروه کانونی، در مجموعه مقالات روش های تحقیق کیفی در پژوهش های اجتماعی / زیر نظر رضا صالحی امیری؛ تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک
۱۱. توکل، محمد.، (۱۳۸۷)، *«جامعه شناسی معرفت و فرهنگ: تنوع یا تغییر نگرش از کلاسیک به جدید»*، دو فصلنامه نامه ی علوم اجتماعی (۳۳): ۱-۲۲
۱۲. چاوشیان، حسن، ۱۳۸۱، از «طبقه اجتماعی» تا «سبک زندگی» / رویکردهای نوین در تحلیل جامعه شناختی هویت اجتماعی، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰
۱۳. حمیدی، نفیسه و فرجی، مهدی، (۱۳۸۷)، *سبک زندگی و پوشش زنان در تهران، تحقیقات فرهنگی ایران* شماره ۱
۱۴. دانش، جابر، (۱۳۸۶)، *جامعه شناسی دین*، تهران: دفتر نشر معارف
۱۵. رفعت جاه، مریم، ۱۳۹۰، فراغت و ارزشهای فرهنگی، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره ۴ شماره ۱ صص ۱۵۱-۱۹۰
۱۶. رهبری، لادن، (۱۳۸۷)، *پیوستار جنسی: نگرش پست مدرن به سکسوالیته*، پایان نامه ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران ریتزر، جورج، (۱۳۸۴)، *نظریه ی جامعه شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات

۱۷. سفیری، خدیجه و مدیری، فاطمه، ۱۳۸۷، تفاوت های جنسیتی در اوقات فراغت، *فصلنامه تحلیلی اجتماعی نظم و نابرابری*، سال اول، شماره ۵۹
۱۸. شالچی، وحید، (۱۳۸۶)، سبک زندگی جوانان کافی شاپ *تحقیقات فرهنگی ایران* (۱)۱.
۱۹. شهابی، محمد، (۱۳۸۶)، سبکهای زندگی جهان و طنانه در میان جوانان ایرانی و دلالتهای سیاسی آن، *پژوهشکده تحقیقات استراتژیک*، پژوهشنامه شماره ۱۱
۲۰. عابدی، حیدر علی، عباس حیدری و مهوش صلصالی، ۱۳۸۳، تجارب دانش آموختگان پرستاری از آمادگی حرفه ای در جریان گذر به نقش بالینی خود، *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۴(۱۲)
۲۱. عابدی، حیدر علی، ۱۳۸۵، تحقیقت کیفی، *فصلنامه حوزه و دانشگاه*، سال ۱۲، شماره ۴۷، صص ۶۲-۸۰
۲۲. عابدی، حیدر علی، ۱۳۸۹، کاربرد روش تحقیق پدیده شناسی در علوم بالینی، *فصلنامه راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵۴، صص ۲۰۷-۲۲۴
۲۳. علی زاده، عبد الرضا و هم کاران، (۱۳۸۳)، *جامعه شناسی معرفت، جستاری در تبیین رابطه ی ساخت و کنش اجتماعی و معرفت های بشری*، تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه
۲۴. فاضلی، محمد، (۱۳۸۷)، تصویری از سبک زندگی فرهنگی جامعه دانشجویی، *تحقیقات فرهنگی ایران* ۱۳۸۷ شماره ۱
۲۵. فاضلی، محمد، (۱۳۸۲)، *مصرف و سبک زندگی*، تهران: صبح صادق.
۲۶. فاوره سادا، ژان، ۱۳۸۹، *انسان شناسی سحر و جادو در گفت و گوهایی درباره انسان و فرهنگ*، گزیده و ترجمه ناصر فکوهی، انتشارات فرهنگ جاوید
۲۷. فتحی، سروش؛ مختارپور، مهدی (۱۳۹۳) بررسی نقش و تاثیر رسانه های نوین تصویری در تغییر سبک زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه علوم و تحقیقات تهران) *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ششم، شماره دوم
۲۸. فریزر، رابرت، (۱۳۸۴)، *شاخه ی زرین (پژوهشی در جادو و دین)*، ترجمه کاظم فیروز مند، تهران: مؤسسه ی انتشارات آگاه
۲۹. گلوور، دیوید و استرابریج، شیلاف و توکل، محمد، (۱۳۸۳)، *جامعه شناسی معرفت و علم*، ترجمه شاپور بهیان و دیگران، تهران: سمت
۳۰. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۸)، *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی
۳۱. محسنی تبریزی، علیرضا، (۱۳۸۱)، آسیب شناسی بیگانگی اجتماعی - فرهنگی / بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه های دولتی تهران، *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۸(۴): ۱۱۹-۱۸۲
۳۲. محمد پور، احمد و مهدی رضایی، ۱۳۸۷، «درک معنایی پیامدهای ورود نوسازی به منطقه ی اورامان کردستان ایران به شیوه ی پژوهش زمینه ای»، *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره نهم، شماره ۲، صص ۳-۳۳.
۳۳. محمد پور، علی؛ زهره پارسا یکتا؛ علیرضا نیکبخت نصرآبادی و مینو محرز، ۱۳۸۹، تجربه ی مبتلایان به HIV/AIDS از تعامل با دیگران: یک مطالعه پدیدار شناسی، *افق دانش: فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی درمانی گناباد دوره ۱۶ شماره ۱*
۳۴. محمد پور، علی؛ زهره پارسا یکتا؛ علیرضا نیکبخت نصرآبادی، ۱۳۹۰، معنویت گرایی در مبتلایان به HIV/AIDS: یک مطالعه پدیدار شناسی، *فصلنامه حیات فصلنامه پرستاری*، مامایی سال هفدهم، شماره ۲ (پیاپی ۴۹) صص ۵۲-۶۳
۳۵. مزدا پور، کتایون، (۱۳۷۴)، *دلیله محتاله*، تهران: انتشارات روشن گران
۳۶. مورا، استفن و سینکلر، استفن پ، (۱۳۷۶)، *دیباچه ای بر جامعه شناسی*، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس
۳۷. نادى سخویدی، محمد؛ مالک، ایوب؛ عابدی، حیدر علی و رنجبر، فاطمه، ۱۳۸۹، رویدادهای تنش زای کودکان سن دبستان: یک بررسی کیفی، *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، سال شانزدهم شماره ۳

۳۸. نوابخش فرزاد (۱۳۹۳) تغییرات سبک زندگی در فرآیند توسعه ابزارهای نوین فناوری، **مجله مطالعات توسعه اجتماعی**

ایران، سال ششم، شماره دوم

۳۹. هگل، گنورک ویلهلم فردریش، (۱۳۹۰)، **پدیدارشناسی جان**، باقر پرهام، تهران: نشر آگه

40. Binkley, Sam .2007, Governmentality and Lifestyle Studies, *Sociology Compass*, Vol 1, Issue 1, PP: 111-126
41. Bourdieu, Pierre (1984), *Distinction: A social critique of a judgement of taste*, Routledge
42. Chany, david, 1996, *lifestyles*, London and New York : Routledge
43. Diekelmann N, Allen D, Tanner C, 1989, The national league for nursing criteria for appraisal of baccalaureate programs: A critical hermeneutic analysis in: Moody L., Shannon M eds. *NLN Nursing Research Monograph Series* New York: NLN Press
44. Flammang, Janet A ., (1983) , "*Feminist Theory : The Question of Power*" , edited by John Scott, Vol. 1, London and New York : Routledge
45. Giddens, A (1991), *Modernity & self identity : self & society in the late modern age*, Cambridge: polity press
46. Iphofen, Ron, 2005, *Ethical Issues in Qualitive Health Research* edited by emmy Holloway in *Qualitive Research in Health Care*, Open University Press McGraw-Hill International
47. Loiselle Carmen G, Profetto McGrath Joanne , Polit, Denise F, Beck, Cheryl Tatano. 2010, *Canadian Essentials of Nursing Research* , Lippincott Williams & Wilkins
48. Mckee, J.B. 1996, *Introduction to Sociology*, New York : Holt, Rinehart and Winston
49. Mckee, J.B. 1996, *Introduction to Sociology*, New York : Holt, Rinehart and Winston
50. Ortiz, Mario R, 2009, Hermeneutics and Nursing Research: History, Processes, and Exemplar, *SOJNR*, Volume 9 Number 1, Available From: http://www.resourcenter.net/images/snrs/files/sojnr_articles2/vol09num01art01.html
51. Palumets, Liis (2002): Space of lifestyles in Estonia in 1991 Society with Soviet Heritage, in the Light of Bourdieu's Theory, pro ethnologia. Available From: <http://www.erm.ee/pdf/pro16/palumets.pdf>
52. Parsons, Karen, 2010, Exploring how Heideggerian philosophy underpins phenomenological research, *Nurse Research*, 17, 4
53. Reusswig, Fritz & others (2005): *Changing global lifestyle and consumption Patterns: The case of Energy and food*, Potsdam institute for climate impact research.
54. Sandelowski, M. (1986). The problem of rigor in qualitative research *Advances in Nursing Science*, 8(3), 27-37
55. Saunders, M, Lewis, P. & Thornhill, A. (2007) *Research Methods for Business Students* (4th edition) Harlow: Prentice Hall
56. Starks, Helene & Susan Brown Trinidad Choose Your Method: A Comparison of Phenomenology, Discourse Analysis and Grounded Theory, University of Washington, *Sage*: Vol 17, N 10
57. van Manen, M. (1997). *Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy* (2nd Ed.). London, Canada: The Althouse Press
58. Veal, Anthony. J, 2001, Leisure, Culture and Lifestyle, *Society and Leisure*, vol. 24, n° 2, p. 359-376, Available from: <http://www.erudit.org/revue/ls/2001/v24/n2/000187ar>